**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب:**

[تعمیم تعزیر 2](#_Toc427625316)

[مرور بحث سابق 2](#_Toc427625317)

[تفاوت مصادیق 2](#_Toc427625318)

[اختیار در اصل تعزیر 2](#_Toc427625319)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc427625320)

[مستند بحث 3](#_Toc427625321)

[انواع تعزیرات 3](#_Toc427625322)

[طایفه دوم 4](#_Toc427625323)

[آراء در این باب 4](#_Toc427625324)

[جمع‌بندی 4](#_Toc427625325)

[تعزیر و حفظ نظام 4](#_Toc427625326)

[قاعده درع در این مقام 5](#_Toc427625327)

[ارجاع از نظریه سابق 5](#_Toc427625328)

[تعزیر صبی 5](#_Toc427625329)

[ارتکاب حدود الهی 6](#_Toc427625330)

[ارتکاب موجبات تعزیر 6](#_Toc427625331)

[تأدیب صبی در امور عرفی و عقلایی 6](#_Toc427625332)

# تعمیم تعزیر

# مرور بحث سابق

در قبال این موضوع که آیا حاکم می‌تواند از موارد بیان‌شده در روایات تعزیراتی فراتر نیز داشته باشد؟ بحث‌هایی مطرح شد، مستندات و اقوال در این زمینه موردبررسی قرار گرفت. جهت دیگر بحث مربوط به این بود که ضرب به کار گرفته‌شده جهت تعزیر آیا درزمینهٔ اقل و اکثر تحدید خورده است یا خیر؟

همان‌طور که بیان شد، اقوال در این زمینه نیز دچار تکثر است، درنهایت یکی از اقوال به‌عنوان قول صحیح اخذ شد. در قبال تعمیم تعزیر نیز ادله‌ای بیان شد که تعزیر تنها به ضرب اختصاص ندارد و بر اساس مصالح و مقتضیات می‌تواند فراتر از حد ضرب نیز صورت پذیرد. لذا مصداق و نوع تعزیر به صلاح‌دید حاکم و درید او خواهد بود که او در این زمینه مصالح اجتماعی و خود فرد را در نظر می‌گیرد. حال اوست که تشخیص می‌دهد که باید مصداق تعزیر در این موضوع و وهله زمانی ضرب یا غیر آن ترکیباً یا انفراداً باشد.

## تفاوت مصادیق

تفاوتی که درزمینهٔ مصادیق تعزیر می‌توان بیان کرد، این است که؛ در خصوص ضرب تعابیر مختلف و موازین گوناگونی در روایات واردشده است که سابقاً آن روایت موردبررسی قرار گرفت. اما درزمینهٔ سایر تعزیرات مثل جریمه یا حبس یا...این حاکم است که می‌تواند آن‌ها را تعیین نماید.

## اختیار در اصل تعزیر

میزان اختیار حاکم درزمینهٔ تعزیر بیان شد، اما سؤالی که در اینجا وجود دارد، این است که آیا اصل تعزیر نیز درید اوست که اجرا کند یا رها نماید؟

## اتخاذ مبنا

ظاهر قضیه و ظاهر روایات این است که اصل تعزیر در موارد تعیین‌شده جهت تعزیر، در اختیار حاکم نیست، این وظیفه حاکم است. خداوند تعزیر را قرار داده است. و حاکم در اصل آن صاحب‌اختیار نیست. البته به‌صورت طبع اولیه و عناوین اولیه بحث می‌کنیم. چراکه همیشه ممکن است شرایط ویژه‌ای پیدا شود که حاکم حتی حدی را هم اجرا نکند. آن استثنایی در بحث است. والا علی‌القاعده وظیفه اوست که به تعزیر اقدام کند.

ظاهر قضیه این است که اصلش اختیاری نیست بلکه الزامی است و تعزیر مثل حدودات حکم الهی است که برای مواردش قرار داده‌شده و باید اقدام کند. لذا وجه و احتمال درست همین است که اصلش اختیاری نیست و الزامی است.

## مستند بحث

دلیل مسئله این است که ما تعزیرات در دو نوع فضا را باید در نظر بگیریم.

### انواع تعزیرات

یک گروه از تعزیرات، تعزیراتی است که گناه است و تعزیر هم برای آن ذکرشده است. مثلاً در آنجایی که مجردین تحت لحاف واحد باشند یا آنجایی که دیگران را سب و شتم کند، بنا بر قولی که ما قبول کردیم در معاصی کبیره و حقوق اجتماعی تعزیر قرار داده‌شده است. طبعاً حاکم در اینجا وظیفه دارد طبق آنچه خداوند فرموده است حکم را اجرا نماید.

بنابراین یک دسته از تعزیرات است که در موارد خاص روایات گفته‌شده است. این دسته خیلی راحت است، برای اینکه در همه این روایات تعبیر به تعزیر است.

### طایفه دوم

گروه دوم، مواردی است که طبق قاعده کلی می‌گوییم تعزیر می‌کند. در روایات تعیین مورد نشده است. بلکه طبق همین قاعده‌ای که بحث کردیم می‌گوییم می‌تواند تعزیر کند. آن قاعده این بود که در هر معصیت کبیره‌ای و در معاصی اجتماعی و امور انتظامات اجتماعی، تعزیر وجود دارد، ولو در قبال موردش روایات اسمی از آن به میان نیامده باشد.

### آراء در این باب

ظاهر فقها این است ولو خیلی دقیق متعرض نشدند که اصل تعزیر در مواردی که به‌خصوص ذکرشده است، هم معاصی کبیره و امور اجتماعی الزامی است، منتها تعیین مصداق و کمیت آن به اختیار حاکم است. البته آن‌هم در غیر مواردی که در خود روایات تعیین‌شده است. اما اصلش در اختیار حاکم نیست.

### جمع‌بندی

پس در حقیقت طبق حکم اولی، تعزیرات هم مثل وجوبات است. اصلش اختیاری نبوده و حکم الهی است، منتها کم و کیفش در تعزیرات مقداری واسع و در دست والی و حاکم است. این بحث به‌عنوان اولی است والا به‌عنوان ثانوی از باب تزاحم یا از باب ولایت‌فقیه بنا بر کسانی که اطلاقش را بپذیرند در مواردی که مصلحت بداند یا تزاحم باشد، می‌تواند حد و همین‌طور تعزیر را متوقف کند.

### تعزیر و حفظ نظام

اگر حفظ نظام موفق بر تعزیر باشد، در این زمان اختیار برداشته خواهد شد و در قبال عناوین ثانویه باید توجه داشت که به سبب تغییرات زیاد پیش‌آمده در هر دوره زمانی از درون خود شرع قوانینی وضع‌شده است که نیازهای پیش‌آمده را برطرف سازد.

### قاعده درع در این مقام

جهت پنجم از بحث این است که ما برخلاف آنچه سابق می‌گفتیم که قاعده درع اختصاص به حدود دارد و در تعزیرات جاری نیست، از این نظر برگشتیم و دیدیم که قاعده درع در تعزیرات هم موجود هست.

### ارجاع از نظریه سابق

آن نکته‌ای که ما را بازمی‌داشت از اینکه این قاعده را به تعزیرات تعمیم بدهیم، این بوده که این قاعده امتنانی است و در تعزیرات اصل بر اختیاری است و در دست حاکم است، لذا این دو با یکدیگر تناسب ندارند.

اما حقیقت امر این است که تعزیرات اختیاری نیست و حکم الهی هست و هم شبهات موضوعیه، هم مفهومیه و هم شبهات حکمیه را در برمی‌گیرد. لذا شامل تعزیرات هم می‌شود. بنابراین با شبهه‌ای هم حد رفع می‌شود و هم تعزیر رفع می‌گردد.

#### تعزیر صبی

مسئله پنجم در ملحقات حدود این بود که؛

**«و قال الإمام الخمینی: کل من ترک واجبا أو ترک حراما فللإمام (ع) و نائبه تعزیره بشرط أن یکون من الکبائر و التعزیر دون الحدّ و حدّه بنظر الحاکم و الأحوط له فیما لم یدل دلیل علی التقدیر عدم تجاوز أقل الحدود»[[1]](#footnote-1)**

این مسئله در مورد تأدیب صبی است که آیا می‌شود بچه‌ها را تعزیر نمود یا خیر؟ تعبیری که از فقهای گذشته نقل می‌شود ثبوت کراهت در این زمینه است. احوط این است که بیش از پنج یا شش ضربه در مقام تأدیب به صبی نزنند.

#### ارتکاب حدود الهی

بحث ما در تربیت و تأدیب صبی در چند جهت است؛ یکی آنجا که صبی گناهانی را انجام بدهد که حد الهی دارد مانند زنا و لواط، منتها چون بچه است حد بر او جاری نمی‌شود. پس مورد سؤال در اینجا این است که اگر گناهی که دارای حد مقرر شرعی است، از او صادر بشود چه باید کرد؟ آیا حد یا تعزیری دارد؟

#### ارتکاب موجبات تعزیر

مقام دوم این است که گناهانی از او صادر شود که حد مقرری ندارد. گناهانی که برای آن‌ها تعزیر در نظر گرفته‌شده است.

#### تأدیب صبی در امور عرفی و عقلایی

مقام سوم تأدیب صبی در امور عرفی و عقلایی است، همان چه که به‌عنوان تربیت فرزند بدان تعبیر می‌شود.

1. تحریرالوسیله/2/434 [↑](#footnote-ref-1)